

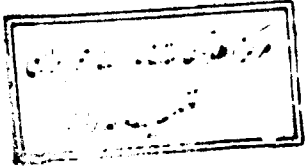
۲۴۹۱۹

انسان فردوسی مشهد  
موسسه تخصصی تحقیقات اسلامی  
۲۴۹۱۶

# دانشگاه فردوسی

مشهد

۱۳۷۸ / ۲ / ۲۰



دانشکده الهیات و معارف اسلامی  
(استاد شهید مرتضی مطهری)

پایان نامه کارشناسی ارشد  
رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

موضوع:

مسائل اتفافی مشهور بین فقهاء مسلمین در باب

طهارت

استاد راهنما

حجة الاسلام والمسلمین استاد عبدالکریم عبد اللهی نژاد

نگارش و تحقیق:  
اسماعیل سلیمی نمین

سال تحصیلی ۱۳۷۱-۱۳۷۲

تایپ و حروفچینی  
مؤسسه تایپ جواد الائمه (علیه السلام)

۲۴۹۱۶

1781/2

## فهرست اجمالی مطالب

| صفحه | عنوان                               |
|------|-------------------------------------|
| الف  | مقدمه                               |
| ۲    | تعریف طهارت                         |
| ۶    | آب پاک کننده حدث و نجاست            |
| ۹    | نحوه تطهیر آب متغیّر                |
| ۱۱   | اندازه آب کَرّ                      |
| ۱۶   | روش تطهیر آب قلیل                   |
| ۱۹   | نحوه تطهیر آب چاه برای انواع نجاسات |
| ۴۷   | مسائل - آب مضاف                     |
| ۵۱   | سـوّر                               |
| ۵۶   | مسأله ۲ - احکام چاه مستراح          |
| ۵۹   | مسأله ۳ - نجاسات                    |
| ۶۸   | نجاسات عفوشده در نماز               |
| ۷۵   | نحوه تطهیر لباس و بدن و ظرف         |
| ۸۵   | غساله یا آب مستعمل                  |
| ۸۸   | مسأله ۴ - مطهرات                    |
| ۹۷   | فصل اول - وضوء                      |
| ۱۲۹  | شکّ در طهارت و حدث                  |
| ۱۳۷  | مسائل - واجبات تخلی                 |
| ۱۵۶  | فصل دوم - غسل                       |

| صفحه | عنوان                    |
|------|--------------------------|
| ۱۷۶  | مبحث حیض                 |
| ۲۱۱  | استحاضه                  |
| ۲۲۱  | نفاس                     |
| ۲۳۹  | احکام اموات - اول احتضار |
| ۲۴۶  | دوم - احکام غسل میت      |
| ۲۶۳  | سوم - کفن                |
| ۲۷۸  | چهارم - نماز میت         |
| ۲۱۳  | پنجم - دفن میت           |
| ۳۱۶  | فصل سوم - در تیمم        |
| ۳۴۵  | فهرست مأخذ و منابع       |

## بسم الله الرحمن الرحيم

### مقدمه

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»<sup>۱</sup>؛ دین در نزد خدای تعالی اسلام است. الحمد لله الذی شرع الاسلام فَسَهَّلَ شَرَايِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ<sup>۲</sup>... حمد و ستایش سزاوار خداوندی است که، اسلام را تشریح فرمود و برای کسانی سرچشمه هایش را آسان نمود که بآن گرویدند.

فبعث الله محمداً ص ليخرج عباده من عبادة الاوثان الى عبادة<sup>۳</sup>... و درود و تهنیت بی نهایت بر محمد ص باد که، ایزد او را برانگیخت تا بندگان را از پرستش بتان رها کرده و به بندگی خویش درآورد.

و صلوات و سلام بی پایان بر جانشینان معصوم پیامبر باد که پیوسته در راه هدایت بندگان به قرب جلال و جمالش دمی نیاسوده تا جام شهادت نوشیدند «حتى قضیٰ نحبهم» و رفعت و مقامی چون انبیاء از آن علماء و فقهاء باد که همواره با مجاهدت بی امان در مسیر گسترش فقه و احکام الهی لحظه ای درنگ نکردند و در تطهیر و تهذیب مقلدین از رجس و پلیدی چنان کوشش و تلاش کرده که تا شهداء راه علم و فضیلت گردیدند، بهمین جهت خداوند آنان را بر

۱- قرآن - سوره ۳ آیه ۱۹

۲- نهج البلاغه فیض الاسلام خطبه ۱۰۶

۳- همان ماخذ ص ۱۴۷

دیگران برتری درجه عنایت فرمود: «فضل الله المجاهدین علی القاعدین...»<sup>۱</sup>، و پیامبر گرامی برتری عالم را بر عابد مانند فضیلت ماه در شب چهارده بر سایر ستارگان دانستند: «فضل العالم علی العابد کفضل القمر علی سائر النجوم، لیلۃ البدر...»<sup>۲</sup> و برای عالم کوشائی که در استنباط احکام فرعی بخطر رفته یک اجر و برای آنکه به صواب رسیده دو مزد وعده فرمودند «و للمصیب اجران وللمخطی اجر واحد».

و پر رهرو باد راه امام خمینی روحی فداه که به مسلمین جهان حیاتی تازه بخشید، و با پی‌ریزی حکومت اسلامی و حاکمیت قرآن و با آموزش راه بازگشت ملت‌های مسلمان به هویت الهی و اسلامی خویش، خواب و قرار را از چشمان خفاش گونه مستکبرین برگرفت و آنها را ناکام و مایوس ساخت، که خدای تعالی در روز غدیر پرده از ناکامی و ناامیدی کفار و منافقین صدر اسلام بر می‌دارد «الیوم یئس الذین کفروا من دینکم...»<sup>۳</sup>؛ امروز کفار از دین شما مایوس شدند. امید است با پیروی از آرمانهای والای امام راحل و رهبر معظم انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای و حضور بسیجیان بی‌نام‌نشان مخلص در صحنه‌های انقلاب، مقدمه‌ای برای ظهور ولی عصر عج ارواح‌ناله الفداء فراهم آید و بنحوی پسندیده و حکیمانه به آرزوی دیرینه امام راحل یعنی وحدت بین مسلمین و تقریب بین المذاهب انشاءالله دست یابیم.

شکلی برای اندیشمندان و پژوهشگران عاری از تعصبات فرقه‌ای و نفسانی نیست که، از اعصار گذشته تاکنون علم و دانش نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در ایجاد تمدنهای بشری و یا تخریب و نابودی آنها داشته است، به سخن دیگر هرگاه علوم و فنون با مدیریت صلحاء و علماء در راه رشد خدمت به انسانیت قرار گرفته به نوعی انسان چهره عدالت و بهروزی را دیده و چه هنرها و تمدنهای شگرف که، نیافریده است و هرزمان دانش و حرف و دانشمندان در چنگال جباران و ستمگران قرار داشته، جهالت و سیه‌روزی و جنگ ویرانگری سایه شوم خود را بر سر ملت‌های مظلوم گسترده و آنها را در کام خون آشام خود فرو برده و آثار فرهنگ و مدنیت را نابود و با‌تتش کشیده است.

۱- قرآن - سوره ۴ آیه ۹۵

۲- کافی - ۱ - ۳۴

۳- سوره - ۵ - آیه ۳

با مطالعه این دو بخش تاریخ روشن می‌گردد که، در مرحله نخستین انبیاء و صالحین با قوانین و احکام آفریدگار علوم و فنون را در طریق هدایت و بهروزی بشریت مدیریت نموده‌اند و در مرحله دوم، نمودها، فرعون‌ها و جنگریها و حاکمان ستم پیشه مدیریت دانش و علم را در اختیار داشته‌اند و با مقایسه این دو مرحله از مدیریت درمی‌یابیم که، هرگاه قوانین و احکام الهی در جوامع بشری حاکم بوده علوم و فنون و هنرها در خدمت انسانیت و مظلومین قرار گرفته و از اینجا برتری علوم الهی و قوانین خداوند و وحی بر سایر علوم واضح و آشکار می‌شود و امروزه با نگرشی گذرا در شکل حکومت‌های بشری موضوع کاملاً روشن‌تر می‌گردد که هر زمان انسان از خدا و کتاب آسمانیش دور افتاده و از پیروی انبیا و اولیاء او سربچی نموده در چنگ شیاطین و ابلیس خویان اسیرگشته و هویت الهی خود را که، (... فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا...) است، از دست داده و در قعر چاه ذلت و ضلالت، بت پرستی و شرک واژگون گردیده است حال برای آشنائی بیشتر با جایگاه فقه شیعه بهتر است، مطالعه‌ای هرچند کوتاه از تطور آن داشته باشیم.

### مطالعه‌ای گذرا از مذهب تشیع و فقه آن

مکتب تشیع از زمانی رسماً شکل می‌گیرد که، پیامبر(ص) در لحظات حساس زندگی خویش برای عدم گمراهی و نجات مومنین، آنان را به پیروی از کتاب خدا و عترت پاکش وصیت می‌فرماید «اَنْتِ تَارِكٌ فِیْكُمْ الثَّقَلِیْنِ كِتَابِ اللَّهِ وَعَترَتِیْ...»؛ من بین شما امتم دو شیء وزین و گران بهاء، کتاب خدا و اهل بیتم را باقی می‌گذارم مادام که، بدامان آند و چنگ زنید هرگز گمراه نمی‌شوید...، این حدیث معروف به حدیث ثقلین می‌باشد و همه فرق مسلمان بر صحت آن اتفاق نظر دارند.

پس اعتقاد به قرآن بعنوان کتاب خدا و وحی الهی و امامان دوازده گانه بعنوان جانشینان معصوم پیامبر، «مکتب تشیع» و پیروان این دو ثقل گرانمایه و پُر بهاء «شیعه امامیه» نام گرفته‌اند، و چون در دوران پُر افتخار امام جعفر بن محمد الصادق(ع) تشیع رشد و بالندگی چشمگیری یافت، بهمین جهت بمذهب جعفری مشهور گردید، که هم زمان با شکل‌گیری مذاهب چهارگانه تسنن بود، اما در طول امامت ائمه علیهم السلام مکتب تشیع بوسیله حدیث و کلام از قوام و استحکامی مستدل و منطقی برخوردار گردید.

### علل اختلاف آراء علماء و فقهاء در احکام اسلامی

حدّافل دو عامل وسیله اختلاف و تشتت نظرات علماء و فقهاء گردیده است اوّل مستندات و منابع فقهی و دوّم نحوه برداشت و استخراج فروع و مسائل فقهی از آن منابع. شیعه احادیث حاوی دستورات دین را از طریق پیامبر و امامان دوازده گانه علیهم الصلوٰة والسلام اخذ می نماید در حالیکه اهل سنت اخبار را از طریق صحابه و غیره از پیامبر (صلی الله علیه و آله) فقط می گیرند و فقه ایشان مبتنی بر نظرات فقهای چهارگانه شافعی و مالک ابن انس و احمد ابن حنبل و ابوحنیفه می باشد.

اما منابع فقهی مهم اهل سنت عبارتند از: قرآن، سنت، اجماع و قیاس ولی منابع فقهی شیعه عبارتند از: قرآن، سنت، اجماع و عقل. که، هر یک ذیلاً بطور مختصر بیان می گردد. قرآن: مراد آیات حاوی احکام فقهی است که، ظواهرشان با توجه به ضوابط اصول فقه حجّت می باشند.

حدیث: مقصود سخن و کار و امضاء و تأیید معصوم است که، بوسیله ناقلین موثق و معتبری رسیده باشند، به عبارت دیگر راویان خبر اعم از سنی و شیعه بایستی راستگو و ثقه باشند.

اجماع: عبارتست از وحدت نظر علماء شیعه در یک موضوع که مثبت سنت و روش و یا حاکی از قول معصوم (ع) می باشد.

عقل: امام صادق (ع) می فرمایند «العقل دلیل المومن»<sup>۱</sup> و امام علی می فرمایند «العقل رسول الحق»<sup>۲</sup>

عقل: عبارتست از: کاربرد عقل در اثبات احکامی که بدون تلازم عقلی ممکن نیست و کلاً حکم به العقل حکم به الشرع مبتنی بر همین ملازمه عقلی است و بعنوان مثال وجوب مقدمه واجب، عدم اجتماع امر و نهی در یک حکم و تلازم عقلی بین امر به چیزی و نهی از ضد آن، از جمله احکامی هستند که عقل نظری و با توجه به قاعده تلازم در اثبات آنها دخیل می باشند.

۱- کافی ۲۵/۱

۲- غررالحکم ۱۵/



قیاس: اما قیاس مصطلح بین فقهاء اهل سنت از نظر مکتب تشیع مردود می باشد زیرا ائمه طاهرین (علیهم السلام) استفاده از آن را در استنباط احکام نهی فرموده اند دیگر اینکه این نوع استدلال چون مبتنی بر تشبیه و احتمال است، لذا علماء منطق این قیاس را از قیاس هائی که، منتج به قطع و یقین بشود، محسوب نمی کنند، حتی علماء متقدم شیعه قیاس منصوص العله را هم در استنباط فروع و احکام قبول نداشتند.

اجتهاد: پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرمایند «الْفُقَهَاءُ أُمَّنَاءُ الرَّسُولِ» و علی (علیه السلام) می فرمایند «لَا خَيْرَ فِي دِينٍ لَا نَفَقَةَ فِيهِ...»<sup>۲</sup>

اجتهاد: کوشش و تلاش عالمی متبحر در علوم اسلامی و استخراج فروع از منابع قرآن، حدیث، اجماع و عقل، مبتنی بر ضوابط و قوانین اصول فقه را اجتهاد و این چنین عالمی را مجتهد، و آگاه و ماهر و عالمترین و مطیع ترین آنان به فرامین معصومین (علیهم السلام) را مجتهد اعلم نامیده اند و این مقام عظمی مرجع عملی مقلدین خواهد بود.

پویائی فقه شیعه: چون پیوسته مجتهدین امامیه با گذشت زمان با مسائل جدیدی روبرو می شوند و مقلدین با مراجعه به آنان احکام همان مسائل را جویا می شوند ضرورتاً آن مراجع با اجتهاد، احکام مورد ابتلاء را استخراج نموده و در اختیار مقلدین قرار می دهند بنابراین هیچگاه توقفی در روند رشد فقه شیعه بوجود نمی آید ولی در فقه اهل سنت ایستائی و رکود همیشگی است، زیرا فقه آنان براساس آراء و فتاوی چهار مفتی معروف قرون اولیه اسلام بوده و از طرفی چون نظرات فقهی آنها ثابت و در مسائل خاصی است که، در همان ادوار مطرح بوده، بنابراین در مسائل مستحدثه حکمی که، پاسخگوی مقلدین اهل سنت در هر زمان باشد، نبود.

#### چگونگی پیدایش اصول فقه

قبلاً اشاره شد که، برای استنباط احکام از منابع اصلی (قرآن، حدیث، اجماع و عقل) مجتهد از یک سلسله ضوابط و قوانینی استفاده می نماید که، اصول فقه نام گرفته اند.

این مقررات و ضوابط بتدریج با ترکیب علمی مانند، منطق، فلسفه، کلام، حدیث، تفسیر قرآن، لغت و ادبیات عرب و غیره بوجود آمد و بعبارت دیگر می توان این دانش را منطق علم فقه

۱- بحارالانوار - ۲۱۶/۱

۲- همان ماخذ - ۳۰۷/۷

و یا موازین و ضوابط روش استدلالی آن دانست، اما این ترکیب و انسجام علوم برای تحقق اصول فقه از چه زمانی آغاز گردید، تاریخ گواه است که، ائمه گرامی ضمن اینکه اصحاب خویش را به حفظ و نقل آیات و روایات تهییج و تشویق می نمودند به بحث و استدلال و تفقه در دین نیز برمی انگیزتند و به کسانی چون هشام ابن حکم که در این راه تلاش می کردند، احترام خاصی قائل بودند.

و همواره سعی داشتند امور کلی را بیان نموده و اصحاب را به تدبیر و استخراج فروع از منابع اصلی اسلامی وادار نمایند و در همین رابطه علی (ع) می فرماید: «علیکم بالدرایات لابلرّوایات»<sup>۱</sup>، بر شما است که، درک و فهم روایات کنید و صرفاً نقل خبر ننمائید. و امام صادق (ع) می فرمودند: «لیت السیاط، علی رؤوس اصحابی حتی یتفقها...»<sup>۲</sup> و بخاطر این دو روش حکیمانه که ناشی از تعالیم متقن قرآنی بوده: «... فلولاً نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ...»<sup>۳</sup>، علم حدیث و کلام با هم رشد و تطوّر یافت و گاهی هم بین محدثین و متکلمین بحثها و معارضات دامنه داری رخ می داد، چرا که بعضی از محدثین گمان می کردند، استفاده از بحث و استدلال و تدبیر در آیات و احادیث منجر به قیاس و استحسان در احکام الهی خواهد شد، چون این طرز استنباط فروع، حاصلش بدعت در دین و باعث مسدود شدن باب اجتهاد در میان فقهاء اهل سنت گردیده بود و همین طرز فکر بعضی محدثین در قرون بعدی اسلام پایه و اساس مکتبی جدید در تشیع بنام (اخباری گری) گردید که حاصلی بس تلخ برای فقه امامیه در برداشت و برای مدتها مانع رشد و پویائی آن شد.

بنابراین اصول فقه با هدایت معصومین و کوشش محدثین و متکلمین و از ترکیب و انسجام علوم اسلامی بوجود آمد، اولین کتاب اصول فقه را شیخ مفید در قرن چهارم بنام (التذکره بالاصول) به رشته تحریر در آورد و سپس دومین را شریف مرتضی در قرن چهارم بنام (الذریعه الی اصول الشریعه) و سومین را شیخ طوسی بنام (عدة الاصول) تدوین نمود.

با مقدمه مختصر فوق و شناختی اجمالی از جایگاه فقه شیعه رساله ای که، اکنون ملاحظه

۱- غررالحکم ۳۳۲

۲- تحف العقول ۳۰۲ - ۳۰۳

۳- قرآن سوره - ۹ - آیه ۱۲۲

می‌کنید پیرامون (مسائل اتفاقیه و مشهور بین فقهاء و مسلمین در باب طهارت). است که، با مشاوره استادان محترم دکتر کاظم مدیر شازچی و دکتر سید مهدی صانعی و براهنمائی استاد عبدالکریم عبدالهی نژاد، به نگارش درآمده، که ذیلاً سعی می‌گردد تصویری ساده از نحوه تحریر آن بیان شود.

### روش تدوین و تالیف

پایه و اساس این رساله مبنی بر متن ذی‌قیمت لمعه دمشقیه متعلق به شهید اول محمد بن جمال‌الدین مکی العاملی و علاوه بر ترجمه کتاب طهارت **النَّصَارِیُّ** مرتضی و المبسوط والخلاف شیخ طوسی و السرائر ابن ادریس و شرایع محقق حلّی و تبصره علامه حلّی و جواهرالکلام محمد حسن نجفی و تحریرالوسیله امام خمینی «**تَوَهُّیُّ**» و نظرات فقهی فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت: شافعیه، مالکیه، حنابله، و حنفیه گردآوری و ترجمه گردیده، و سپس بعد از تحقیق در معانی لغوی و اصطلاحی واژه‌های نسبتاً مشکل متن لمعه و آوردن آیات و بعضی روایات مورد استدلال و تطبیق نظرات علمای امامیه و فقهای اهل سنت با فتاوی‌ای کم نظیر شهید، مسائل و احکام مورد اتفاق را در پایان هر بخش بعنوان نتیجه تحقیق ارائه نمودم امید است خوانندگان محترم نکات قوت این رساله را از افاضات اساتید بزرگووارم و نقاط ضعف را از کمی بضاعت علمی اینجانب بدانند و آنها را با اغماض و چشم‌پوشی بر بنده منت گذارند.

در پایان مقدمه لازم است از تمامی اساتیدم در دوره کارشناسی ارشد قدردانی و تشکر نمایم.

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»



# کتاب طهارت

## تعریف طهارت

«وَهِيَ لُغَةً النِّظَافَةُ، وَشَرْعاً اسْتِعْمَالُ طَهْوَرٍ مَشْرُوطٌ بِالنِّيَّةِ...»<sup>(۱)</sup>

طهارت از نظر لغوی به معنای پاکیزگی است و از نظر شرعی به معنای بکارگیری پاک و پاک‌کننده است به شرط اینکه با قصد قربت باشد.

## تحقیق

- ۱- معنای لغوی طهارت: طهارت مصدر طَهَّرَ با ضمه عین و با فتحه آن، و اسم طَهْر در لغت به معنای نظافت و نزاهت است گفته می‌شود: لباس پاک...<sup>(۲)</sup>
- ۲- معنای اصطلاحی طهارت: اکثر علمای ما بر آن اتفاق دارند که اسمی برای وضوء یا غسل یا تیمم است بطوری که در آن تاثیر مباح شدن نماز می‌باشد.<sup>(۳)</sup>
- الف - در معنای لغوی و اصطلاحی طهارت علماء امامیه و فقهاء اهل سنت اتفاق نظر دارند.<sup>(۴)</sup>
- ب - در معنای لغوی «طهور» نیز امامیه و فقهاء اهل سنت نظر واحدی دارند که آن عبارتست از: «الطاهر لنفسه المطهر لغيره».<sup>(۵)</sup>
- ج - امامیه و اهل سنت نیت را فقط در رفع حدث شرط می‌دانند.
- ولی در برطرف کردن خبث لازم نمی‌دانند، اما شهید ثانی گوید: «و ان اشترطت فی اکماله و فی ترتب الثواب»<sup>(۶)</sup> یعنی: هرچند، در کاملتر شدن عمل ازاله نجاست و در دستیابی به ثواب قصد قربت شرط است.

۱- لمعه دمشقیه: ۱۵ - ۱ و سرائر: ج ۱: ۵۶ - ۱ و مبسوط ج ۱: ۳ - ۱.

۲- جواهر الکلام: ج ۱: ۳ - ۱۹. ۳- جواهر الام: ج ۱: ۴ - ۷.

۴- الفقه علی المذهب الاربعه ج ۱: و شرح لمعه ج ۱: ۲۴۵ - ۱ و سرائر ج ۱: ۵۶ - ۱ و مبسوط ج ۱: ۳ - ۱.

۵- شرح لمعه ج ۱: ۲۴۶ - ۴ و الفقه علی المذاهب الاربعه ج ۱: ۱ - ۱۲ و جواهر ج ۱: ۶۴ - ۷.

۶- شرح لمعه ج ۱: و الفقه علی المذاهب الاربعه ج ۱: ۵۷ - ۳.



### پاک کنندگی آب و خاک

«وَالطَّهْرُ هُوَ الْمَاءُ وَالتُّرَابُ...»<sup>(۱)</sup>

چیزهایی که پاک کننده هستند یکی آب و دیگری خاک است.

#### تحقیق

۱- معنای اصطلاحی طهور: صاحب جواهر از کتابهای تبیان و فقه القرآن و مجمع البیان

و ... نقل می کند که طهور یعنی: پاک، پاکیزه کننده، برطرف کننده حدیثی نجاسات است.<sup>(۲)</sup>

معنای لغوی و فقهی طهور طبق نظر امامیه و اهل سنت بیان گردید. اما در اینجا شهید اول دو مورد از مصادیق آن را ذکر کرده است که البته در صفحات آتی مستقلاً در بخش جداگانه ای به نام مطهرات از آن صحبت بمیان می آید، ولی آنچه که پیرامون بیان شهید لازم به توضیح می باشد این است که:

**الف - " الماء "** لفظ مطلق است و شامل اقسام گوناگون آبهای پاک کننده می گردد مانند:

آب باران، آب جاری، آب چاه، آب چشمه، آب دریا، و آب حاصل از ذوب برف و یخ... که اهل سنت نیز این انواع مختلف آب را قبول دارند.

**ب - التراب؛** یعنی: خاک، یکی از مصادیق لفظ عام الارض است و موارد دیگر آن عبارتند

از: ماسه - سنگ ریزه - سنگها، برگ درخت، چوب و غیره می باشد.

به همین جهت شهید ثانی می گوید: بهتر بود که، شهید اول در جمله «وَالطَّهْرُ هُوَ الْمَاءُ

والتُّرَابُ بجای خاک لفظ زمین را همانطور که حدیث: «جعلت لی الارض مسجداً و ترابها طهوراً»<sup>(۳)</sup> مقتضی است قرار می دادند» که شهید ثانی در این<sup>(۴)</sup> باره می گوید: «و ان كان اولی

۱- لمعه: ۱۵ - ۲.

۲- جواهر ج ۱: ۵ - ۱۴.

۳- وسائل الشیعه: ج ۲ ص ۹۶۹ باب ۷ ح ۱.

۴- جواهر: ج ۱ ص ۴ - ۱۴.

ابداله بلفظ الارض كما يقتضيه الخبر»<sup>(۱)</sup> یعنی: هر چند که بهتر است لفظ الارض جایگزین خاک شود هم چنانکه حدیث آنرا ایجاب می نماید.

زیرا لفظ زمین اعم از خاک و سایر اصناف زمین می باشد،

در اینجا شهید ثانی دلیل دیگری برای اثبات ایراد خویش علیه شهید اول آورده و می گوید:

«من جواز التیمم بغير التراب من اصناف الارض»<sup>(۲)</sup>؛ یعنی، از جمله احکامیکه بر طبق مذهب و روش امامیه و بخصوص شهید اول می باشد: جایز بودن تیمم بوسیله غیر خاک است.

اما آیات و روایاتی که علماء امامیه و فقهای اهل سنت برای اثبات نظافت و پاک کنندگی

آب و زمین و ملحقات به آن از جمله: خاک - رمل - شن - سنگ، برگ درخت... استدلال نموده ذیلاً" به اختصار ارائه می گردد.

قال الله تعالى: «وانزلنا من السماء ماء طهوراً»<sup>(۳)</sup>؛ و ما آب پاک کننده را از آسمان فرو

فرستادیم.<sup>(۴)</sup>

و در کتبت امامیه و اهل سنت برای اثبات پاک کنندگی آب به آیه ای از سوره انفال استدلال

شده است.<sup>(۵)</sup>

«و ينزل عليكم من السماء ماء ليطهركم به ..»<sup>(۶)</sup>؛ یعنی، و ما آب را از آسمان برای شما فرو

فرستادیم تا شما بواسطه آن پاک شوید.

قال النبي (ﷺ): «جعلت لي الارض مسجداً و طهوراً»<sup>(۷)</sup> یعنی، زمین برای من سجده گاه

و پاک کننده قرار داده شد.

و نیز حدیث دیگری بر محل سجده بودن زمین و نظافت و پاک کنندگی خاک از طریق

امامیه نقل گردیده است.

ان النبي (ﷺ) قال: «جعلت لي الارض مسجداً و ترابها طهوراً»؛ یعنی، زمین برایم

سجده گاه و خاک آن نظیف و پاک کننده قرار داده شد.<sup>(۸)</sup>

۱- وسائل الشیعه: ج ۲ ص ۹۶۹ باب ۷ ج ۱.

۲- روضه البهیة ج ۱: ۲۵۱ - ۱

۳- سوره فرقان آیه ۵۰

۴- لمعه - ۱۵ - ۲

۵- کنز العرفان ج ۱: ۴۰ - ۹ و الفقه علی المذاهب الاربعه ج ۱: ۲ - ۱

۶- سوره انفال آیه ۱۱

۷- وسائل الشیعه ج ۲: ۹۶۹ باب ۷ - حدیث ۲

۸- مبسوط ج ۱: ۴ - ۱۲